



Analysis of the Factors Affecting the Decision to Refrain from Migration from Iran

Hamid Asayesh¹

1. Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Humanities, Ayatollah Borujerdi University, Borujerd, Iran.

Email: hamid.asayesh@abru.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Keywords:

*Human Capital
Iran*

*Partial Least Squares
Refraining from
Migration
Structural Equation
Modeling*

ABSTRACT

The socio-economic challenge of migration in Iran is influenced by a variety of intricate and interconnected factors. The objective of the current study was to utilize Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM) to analyze the factors that influence the decision to refrain from migrating from Iran and to quantify the relationships between these factors.

Research Method: This study was a descriptive-survey study of correlational type, and it was applied research in terms of purpose. The statistical population was composed of individuals who had taken the first steps toward migration from Iran between 2021 and 2023 but ultimately chose not to migrate. 280 individuals were chosen through the use of available sampling. The research instrument was a questionnaire that was developed by the researcher and consisted of 35 items that assessed seven latent variables. SPSS 26 and SmartPLS 3 software were employed to analyze the data.

Findings: The results indicated that the decision to not migrate was most significantly influenced by improved economic conditions (path coefficient = 0.428), family support (0.385), and enhanced job opportunities (0.342). The decision to refrain from migration was also significantly influenced by socio-cultural factors (0.276), political stability (0.234), and emotional-identity reasons (0.198). The research model accounted for 68% of the variance in the decision to refrain from migration.

Conclusion: The findings suggest that the decision to forgo migration is influenced by a variety of factors, and that the retention of the country's human capital can be achieved by enhancing economic conditions, social support, and job opportunities.

Cite this article: Asayesh, H. (2025). Analysis of Factors Affecting the Decision to Refrain from Migration from Iran Using Partial Least Squares Modeling. *Population Journal*, , 56 (1), 1-21.

Extended Abstract**Introduction**

In recent years, the phenomenon of migration from Iran, particularly among educated elites, has emerged as a significant socio-economic challenge. Although a significant amount of research has been conducted on the factors that influence migration decisions, there is still a significant gap in our comprehension of the determinants that cause individuals to refrain from migrating. This study addresses this lacuna by investigating the multidimensional factors that influence the decision to abandon migration plans from Iran, with a particular emphasis on the economic, social, and psychological dimensions.

Methodology

A correlational descriptive-survey design was implemented in this applied research. The statistical population was composed of individuals who had taken concrete steps toward migration from Iran between 2021 and 2023 but ultimately decided to abandon their plans. 280 participants were chosen using snowball sampling and available sampling methodologies. The research instrument was a questionnaire that was developed by the researcher and consisted of 35 items that assessed seven latent variables: economic conditions, family support, employment opportunities, socio-cultural factors, political stability, emotional-identity factors, and infrastructure issues. Data analysis was conducted using SPSS 26 and SmartPLS 3 software, with Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM) employed to evaluate the research hypotheses.

Findings

All factor loadings exceeded 0.7, composite reliability exceeded 0.7, and the average variance extracted (AVE) for all constructs exceeded 0.5, indicating that the measurement model exhibited strong reliability and validity. The most significant predictors of decisions to refrain from migration were improved economic conditions (path coefficient = 0.428), family support ($\beta = 0.385$), and enhanced employment opportunities ($\beta = 0.342$), according to the structural model evaluation. Political stability ($\beta = 0.234$), socio-cultural factors ($\beta = 0.276$), and emotional-identity considerations ($\beta = 0.198$) also exhibited substantial positive effects. The model's predictive power is substantial, as it accounted for 68% ($R^2 = 0.68$) of the variance in decisions to refrain from migration.

Conclusion and Discussion

The results confirm that the decision to forgo migration is influenced by a multifaceted interplay of psychological, social, and economic factors. The robust influence of economic conditions is consistent with human capital theory, which posits that the incentive for migration is diminished as a result of enhanced economic prospects. The significance of familial networks in retention decisions is underscored by the emergence of family support as a critical social factor. Migration decisions are substantially influenced by employment opportunities that indicate the potential for career advancement. These findings indicate that Iran's human capital retention could be significantly enhanced by comprehensive strategies that prioritize economic stability, social support systems, and career development opportunities. The effective application of PLS-SEM in this context demonstrates its utility in modeling complex social phenomena with relatively smaller sample sizes.



تحلیل عوامل مؤثر بر انصراف از مهاجرت از ایران

حمید آسایش^۱

۱. دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران. رایانامه: hamid.asayesh@abru.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی-پژوهشی	زمینه و هدف: پدیده مهاجرت به‌عنوان چالشی اجتماعی-اقتصادی در ایران، از عوامل پیچیده و درهم‌تنیده‌ای تأثیر پذیرفته است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل عوامل مؤثر بر انصراف از مهاجرت از ایران و سنجش روابط بین این عوامل با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) انجام گرفته است.
کلیدواژه‌ها: انصراف از مهاجرت ایران حداقل مربعات جزئی سرمایه انسانی مدل‌سازی معادلات ساختاری	روش پژوهش: این مطالعه از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری شامل افرادی بود که در سال‌های ۱۴۰۰-۱۴۰۲ اقدامات اولیه را برای مهاجرت از ایران آغاز کرده، اما در نهایت از مهاجرت منصرف شده بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، ۲۸۰ نفر انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق‌ساخته شامل ۳۵ گویه در قالب ۷ متغیر مکنون بود. داده‌ها با نرم‌افزارهای SPSS-26 و SmartPLS-3 تحلیل شدند.
	یافته‌ها: براساس یافته‌ها، بهبود شرایط اقتصادی (ضریب مسیر ۴۲۸/۰)، حمایت خانوادگی (۳۸۵/۰) و بهبود فرصت‌های شغلی (۳۴۲/۰) بیشترین تأثیر را بر انصراف از مهاجرت داشتند. عوامل اجتماعی-فرهنگی (۲۷۶/۰)، ثبات سیاسی (۲۳۴/۰) و دلایل عاطفی-هویتی (۱۹۸/۰) نیز تأثیر معناداری بر انصراف از مهاجرت نشان دادند. مدل پژوهش ۶۸ درصد از واریانس انصراف از مهاجرت را تبیین کرد.
	نتیجه‌گیری: طبق نتایج، انصراف از مهاجرت از عوامل چندبعدی تأثیر می‌پذیرد و بهبود شرایط اقتصادی، حمایت‌های اجتماعی و فرصت‌های شغلی در حفظ سرمایه‌های انسانی کشور مؤثر است.
	استناد: آسایش، حمید (۱۴۰۴). تحلیل عوامل مؤثر بر انصراف از مهاجرت از ایران با استفاده از روش مدل‌سازی حداقل مربعات جزئی، فصلنامه جمعیت، ۲ (۴)، ۲۱-۱.
	© نویسندگان.

۱. مقدمه

پدیده مهاجرت به عنوان یکی از چالش برانگیزترین مسائل اجتماعی-اقتصادی ایران در دهه‌های اخیر مطرح بوده است. براساس گزارش مرکز آمار ایران (۱۴۰۲)، نرخ خالص مهاجرت کشور در پنج سال اخیر منفی بوده و از این نظر ایران در رتبه پانزدهم در بین ۱۹۳ کشور جهان قرار دارد. طبق آمارها، سالانه تعداد قابل توجهی از نیروی کار متخصص و تحصیل کرده کشور را ترک می‌کنند که این روند تأثیراتی مخرب بر توسعه پایدار کشور می‌گذارد (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲؛ UNESCO, 2023)، وکیلی و مبینی^۱، ۲۰۲۳، رکویی و راپوپورت^۲، ۲۰۱۲).

اگرچه در انبوهی از تحقیقات داخلی و بین‌المللی عوامل «محرک» مهاجرت شناسایی و ویژگی‌های مهاجران تحلیل شده است (برای مثال، مسی و همکاران^۳، ۱۹۹۳؛ UNDP، ۲۰۲۲؛ راغب و کرمی، ۲۰۲۴)، اما یک «خلاء دانشی بحرانی» در درک سویه معکوس این پدیده وجود دارد؛ بیشتر پژوهش‌ها، مهاجرت را به مثابه یک «خروجی نهایی» در نظر می‌گیرند (دی هاس^۴، ۲۰۲۱). در نتیجه، ادبیات موجود ناتوان از تبیین این پرسش اساسی است: «چرا برخی از افراد، با وجود عبور از مراحل اولیه و پرهزینه تصمیم‌گیری برای مهاجرت (مانند اخذ پذیرش تحصیلی یا فروش اموال)، در نهایت، از این تصمیم منصرف می‌شوند؟»

این «انصراف از مهاجرت» تنها یک عدم اقدام ساده نیست، بلکه یک «تصمیم فعالانه» است که در نقطه تقابل نیروهای دافعه مبدأ و جاذبه مقصد شکل می‌گیرد (کاسارینو^۵، ۲۰۰۴). تمرکز صرف بر عوامل مهاجرت، ما را به دیدگاهی یک‌سویه و ناقص از پویایی جمعیتی رهنمود می‌کند (کارلینگ و اسچوئل^۶، ۲۰۱۸). درک عوامل «بازدارنده» مهاجرت و شناسایی عواملی که «موازنه» را به نفع ماندن در کشور تغییر می‌دهند، امری حیاتی برای سیاست‌گذاری دقیق است (سازمان بین‌المللی مهاجرت^۷، ۲۰۲۳). مسئله پژوهش حاضر، نه تنها «کمبود» مطالعات در این حوزه، بلکه «تناقض» موجود است: از یک سو، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور با چالش جدی «فرار مغزها» و ازدست‌دادن سرمایه انسانی نخبه مواجه‌اند و بر لزوم «حفظ و جذب» سرمایه انسانی تأکید می‌کنند (وکیلی و مبینی، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، ما درکی نظام‌مند از مهم‌ترین

1. Vakili & Mobini

2. Docquier & Rapoport

3. Massey et al

4. De Haas

5. Cassarino

6. Carling & Schewel

7. International Organization for Migration [IOM]

دلایل ترغیب طبیعی و درونی جامعه برای ماندن افراد نداریم. این مطالعه با واکاوی نظام‌مند عوامل مؤثر بر «انصراف از مهاجرت»، درصدد پرکردن این شکاف است. پاسخ به پرسش «کدام‌یک از عوامل اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و سیاسی بیشترین قدرت را در قانع کردن افراد برای ماندن در ایران دارند؟» نقشه راهی مبتنی بر شواهد برای طراحی سیاست‌های مؤثر «حفظ سرمایه انسانی» در اختیار تصمیم‌گیران قرار می‌دهد (پروائی و شریفی سایی^۱، ۲۰۲۲).

این پژوهش از چند نظر اهمیت دارد: تدوین راهبردهای مؤثر برای حفظ سرمایه انسانی، تخصیص بهینه منابع و اولویت‌بندی سیاست‌های عمومی و ارائه چارچوب روش‌شناختی قدرتمند (PLS-SEM) برای پژوهشگران آتی. هدف پژوهش حاضر، اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تصمیم انصراف از مهاجرت افرادی است که مراحل اولیه مهاجرت را آغاز کرده‌اند. در این راستا، پرسش اصلی تحقیق به شرح زیر است: «کدام‌یک از عوامل اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و سیاسی بیشترین تأثیر را بر تصمیم افراد برای انصراف از مهاجرت و ماندن در ایران دارند؟»

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. پیشینه تجربی

بیشتر مطالعات داخلی از روش‌های کیفی یا تحلیل‌های سنتی استفاده کرده‌اند و بر عوامل محرک مهاجرت متمرکز بوده‌اند. با وجود ارزشمندی این مطالعات، شکاف‌های چشمگیری در ادبیات موجود است: نخست، غلبه رویکرد کیفی و توصیفی که توانایی سنجش قدرت تأثیر نسبی هر عامل را ندارد. دوم، تمرکز عمده بر «مهاجرت» به جای «انصراف» از آن. سوم، نبود چارچوب نظری یکپارچه و آزمون‌پذیر برای تبیین تعامل پیچیده بین ابعاد مختلف. چهارم، محدودیت روش‌شناختی و استفاده اندک از روش‌های قدرتمند مانند مدل‌سازی معادلات ساختاری (PLS-SEM) در این حوزه. تحقیق حاضر با تمرکز بر پدیده «انصراف از مهاجرت»، به کارگیری روش PLS-SEM و ارائه یک مدل نظری تلفیقی، درصدد پرکردن این شکاف‌هاست. مطالعات پیشین در حوزه مهاجرت و انصراف از آن را می‌توان در قالب دسته‌بندی زیر ارائه کرد که گستره موضوعی، روش‌شناسی و یافته‌های کلیدی آن‌ها را نشان می‌دهد:

جدول ۱. خلاصه پیشینه تحقیقات مرتبط با عوامل مؤثر بر مهاجرت و انصراف از مهاجرت

نویسنده (سال)	عنوان تحقیق	روش تحقیق	یافته‌های کلیدی	ارتباط با تحقیق حاضر
راغب و کرمی (۱۴۰۳)	فراترکیب علل مهاجرت نخبگان ایرانی و راهکارهای ممانعت از آن	فراترکیب	استخراج شش دسته عامل: اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، سیاسی، آموزشی، کالبدی و جذابیت‌های مقصد	شناسایی عوامل مؤثر بر انصراف از مهاجرت
نوبخت و رستمعلی‌زاده (۱۴۰۲)	سکونت، انطباق و تثبیت جمعیتی در مناطق صنعتی- ساحلی ایران	پیمایشی-تحلیلی	انطباق اجتماعی و محیطی نقش کلیدی در تثبیت جمعیت مهاجر دارد	تأکید بر عوامل بازدارنده مهاجرت
روزبهانی و همکاران (۱۴۰۱)	طراحی مدل جامع عوامل مؤثر بر مهاجرت فارغ‌التحصیلان	توصیفی-پیمایشی	استخراج پنج عامل: رفاهی-اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، شغلی، سیاسی و آموزشی-پژوهشی	ارائه چارچوب تحلیلی برای عوامل مؤثر
محمدی و همکاران (۱۴۰۰)	بررسی رابطه بهبود شرایط اقتصادی و تمایل به ماندگاری	کمی-پیمایشی	بهبود شرایط اقتصادی تمایل به مهاجرت را کاهش می‌دهد	تأیید نقش عوامل اقتصادی در انصراف از مهاجرت
رضایی و کریمی (۱۴۰۱)	واکاوی کیفی عوامل مؤثر بر انصراف از مهاجرت	کیفی	حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی نقش تعیین‌کننده در انصراف از مهاجرت دارند	تمرکز مستقیم بر موضوع تحقیق حاضر
اسمیت (۲۰۲۲)	تصمیم‌گیری بازگشت مهاجران با روش-PLS SEM	PLS-SEM	عوامل اقتصادی و اجتماعی بیشترین تأثیر بر تصمیم بازگشت مهاجران	استفاده از روش‌شناسی مشابه
فالکو و همکاران (۲۰۱۹)	تأثیر تغییر اقلیم بر مهاجرت	تحلیل داده‌های ثانویه	تغییرات آب‌وهوایی بر الگوهای مهاجرت تأثیر می‌گذارد	در نظرگیری عوامل محیطی
پیرس (۲۰۱۷)	عوامل جذب و دفع مهاجرت داخلی در	مدل‌سازی اقتصادی	متغیرهای اقتصادی کلان عامل اصلی	تأکید بر عوامل اقتصادی

	ایتالیا		جریان‌های مهاجرت	
لیو و همکاران (۲۰۱۸)	بررسی علل مهاجرت	تحلیل رگرسیون	تحصیلات، سن، درآمد و اشتغال بر قصد مهاجرت تأثیر دارند	در نظرگیری عوامل جمعیتی
دنیلا بونا (۲۰۱۲)	مدل‌های جاذبه در مهاجرت‌های داخلی رومانی	پنل دیتا	عوامل اقتصادی و زیرساختی بر نرخ مهاجرت تأثیرگذارند	استفاده از چارچوب نظری مشابه

۲-۲. چارچوب نظری

مهاجرت به عنوان فرایندی چندبعدی و پویا، از عوامل متعدد تأثیر می‌پذیرد. در تبیین پدیده انصراف از مهاجرت، می‌توان از تلفیق چند چارچوب نظری بهره جست (صادقی، ۱۳۹۸). براساس نظریه دافعه-جاذبه راون اشتاین^۱ (۱۸۵۵)، انصراف زمانی رخ می‌دهد که عوامل دافعه در مبدأ کاهش یابند یا عوامل جاذبه در مقصد تضعیف شوند. در نظریه سرمایه انسانی (شولتز^۲، ۱۹۶۱؛ شاستاد^۳، ۱۹۶۲) مهاجرت نوعی سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود؛ زمانی که بازده مورد انتظار این سرمایه‌گذاری (به دلایلی مانند بهبود شرایط اقتصادی و شغلی در وطن) کاهش یابد، احتمال انصراف افزایش می‌یابد.

از منظر چارچوب آرزوها-توانایی‌ها (دی هاس^۴، ۲۰۲۱)، انصراف یک ارزیابی مجدد عقلانی است که نشان می‌دهد سود خالص مورد انتظار از مهاجرت دیگر مثبت ارزیابی نمی‌شود. نظریه شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی (پاتنام^۵، ۲۰۰۰) بر نقش حمایت‌های خانوادگی و شبکه‌های پیوندگرای قوی در افزایش هزینه‌های فرصت ترک وطن تأکید دارد. همچنین، اقتصاد جدید مهاجرت نیروی کار (استارک^۶، ۱۹۹۱) واحد خانوار و مدیریت ریسک درون آن را عاملی مؤثر در تضعیف انگیزه مهاجرت می‌داند. با توجه به این ادبیات، انصراف از مهاجرت پدیده‌ای چندوجهی است و نمی‌توان آن را با یک عامل منفرد تبیین کرد؛ بنابراین، مدل مفهومی این پژوهش با تلفیقی از نظریه‌های یادشده طراحی شده است و هفت متغیر مستقل (بهبود شرایط اقتصادی، حمایت خانوادگی، بهبود فرصت‌های شغلی، عوامل اجتماعی-فرهنگی، ثبات سیاسی،

1. Ravenstein
2. Schultz
3. Sjaastad
4. de Haas
5. Putnam
6. Stark

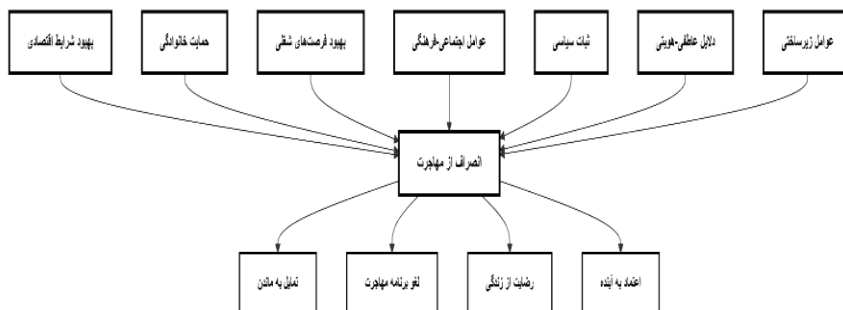
دلایل عاطفی-هویتی و عوامل زیرساختی) را پیش‌بینی‌کننده متغیر وابسته «انصراف از مهاجرت» در نظر می‌گیرد.

در سطح کلان‌تر، نظریه سیستم‌های مهاجرت این شبکه‌ها را به‌عنوان زیرساخت‌های بنیادینی تحلیل می‌کند که شدت و جهت جریان‌های مهاجرتی را با ایجاد تعادل بین عوامل دافعه و جاذبه تنظیم می‌کنند؛ بنابراین، تعلق به شبکه‌های اجتماعی قوی در مبدأ، به‌مثابه عاملی تعیین‌کننده در ترجیح ماندن بر مهاجرت عمل می‌کند.

با توجه به ادبیات نظری موجود، نمی‌توان یک عامل را به‌عنوان نیروی منفرد مؤثر بر انصراف از مهاجرت بررسی کرد (مندوز^۱، ۲۰۰۷). انصراف از مهاجرت در پاسخ به دامنه‌ای وسیع از عوامل با اثربخشی گوناگون بر مردم به‌وجود می‌آید (پرن ول^۲، ۲۰۰۶). الگوها و روندها در انصراف از مهاجرت نشان می‌دهند با یک سطح تحلیل نمی‌توان این پدیده را تبیین کرد، بلکه ماهیت چندوجهی آن به نظریه‌ای پیچیده نیاز دارد که دورنماها، فرضیه‌ها و سطوح مختلف را دربرگیرد (مسی و همکاران، ۱۹۹۳). با توجه به مبانی نظری ارائه‌شده، انصراف از مهاجرت پدیده‌ای چندبعدی است که از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تأثیر می‌پذیرد. درک این عوامل به سیاست‌گذاران در طراحی برنامه‌های مؤثر برای حفظ سرمایه‌های انسانی کشور کمک می‌کند. همان‌طور که پروائی و شریفی ساعی (۱۴۰۱) اشاره کرده‌اند، توسعه مستلزم حفظ و ماندگاری سرمایه‌های انسانی نخبه جامعه است؛ بنابراین، مدل مفهومی پژوهش حاضر براساس تلفیقی از نظریه‌های مهاجرت شامل نظریه سرمایه انسانی، نظریه شبکه‌های اجتماعی، نظریه دافعه-جاذبه و نظریه یکپارچگی اجتماعی طراحی شده است. این مدل، هفت متغیر مکنون مستقل و یک متغیر مکنون وابسته (انصراف از مهاجرت) را دربرمی‌گیرد. مدل مفهومی این پژوهش شامل هفت متغیر مکنون مستقل (بهبود شرایط اقتصادی، حمایت خانوادگی، بهبود فرصت‌های شغلی، عوامل اجتماعی-فرهنگی، ثبات سیاسی، دلایل عاطفی-هویتی و عوامل زیرساختی) و یک متغیر مکنون وابسته (انصراف از مهاجرت) است. با توجه به مدل مفهومی مبتنی بر تلفیق نظریه‌های سرمایه انسانی، شبکه‌های اجتماعی، دافعه-جاذبه و یکپارچگی اجتماعی، فرضیه اصلی پژوهش حاضر این است: «متغیرهای مستقل اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و سیاسی بر تصمیم انصراف از مهاجرت تأثیر معناداری دارند.»

بنابراین، متغیرهای پنهان مستقل و شاخص‌های آن‌ها عبارت‌اند از:

1. Mendoza
2. Parnwell



۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل افرادی است که در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ اقدامات عملی برای مهاجرت (مانند اخذ پذیرش یا فروش اموال) را آغاز کردند، اما در نهایت منصرف شدند. دستیابی به این جامعه «پنهان» به دلیل نبود چارچوب نمونه‌گیری مشخص، با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری غیراحتمالی ترکیبی (گلوله‌برفی و هدفمند) انجام گرفت. این فرایند که با هدف ایجاد اعتماد و دسترسی به نمونه کافی طراحی شده بود، به انتخاب ۲۸۰ نفر به‌عنوان نمونه نهایی منجر شد.

انتخاب راهبرد نمونه‌گیری غیراحتمالی: با توجه به محدودیت یادشده، از یک راهبرد ترکیبی استفاده کردیم که در مطالعات علوم اجتماعی برای دسترسی به جوامع پنهان کاملاً شناخته‌شده و قابل قبول است:

✓ نمونه‌گیری گلوله‌برفی: این روش هسته اصلی دستیابی به شرکت‌کنندگان بود. ما کار را با بیست «دانه اولیه» آغاز کردیم که از طریق شبکه‌های شخصی و حرفه‌ای شناسایی شدند. از هر کدام خواستیم پژوهش را به افراد مشابه معرفی کنند.

✓ نمونه‌گیری هدفمند: به موازات آن، به‌طور فعالانه در فضاهای آنلاین مرتبط (مانند فروم‌ها، کانال‌های تلگرامی و گروه‌های مرتبط با «انصراف از مهاجرت» یا «ماندن در ایران») حضور یافتیم و با کسب مجوز از ادمین‌ها، دعوت به مشارکت در پژوهش را منتشر کردیم.

دستیابی به این تعداد به دلیل فرایند طولانی و طاقت‌فرسای جمع‌آوری داده‌ها بود. این فرایند بیش از هجده ماه به طول انجامید. در این بازه زمانی:

✓ به تدریج و لایه‌به‌لایه، شبکه شرکت‌کنندگان را گسترش دادیم.

✓ بر ایجاد اعتماد، سرمایه‌گذاری کردیم؛ چرا که موضوع مهاجرت بسیار حساس و شخصی است.

✓ با افت‌های متعدد در نرخ پاسخگویی مواجه بودیم و باید به‌طور مستمر شرکت‌کننده جدید جذب می‌کردیم.

این حجم نمونه، نه به‌دلیل طراحی اولیه، بلکه به‌عنوان نقطه توقف طبیعی پس از این دوره طولانی حاصل شد؛ نقطه‌ای که پس از آن، دستیابی به شرکت‌کنندگان جدید به‌شدت کاهش یافت و داده‌های تازه، تکرار داده‌های قبلی بودند.

شایان ذکر است هدف اولیه این پژوهش، کشف و سنجش روابط بین متغیرها با استفاده از PLS-SEM بود، نه ارائه آمارهای مطلق درباره کل جامعه ایران. PLS-SEM نیز به‌دلیل انعطاف در کار با نمونه‌های کوچک‌تر و غیرنرمال برای چنین اهداف اکتشافی مناسب‌تر است. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق‌ساخته شامل ۲۵ گویه در قالب مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای بود. پرسشنامه در هفت بخش بهبود شرایط اقتصادی (سه گویه)، حمایت خانوادگی (سه گویه)، بهبود فرصت‌های شغلی (سه گویه)، عوامل اجتماعی-فرهنگی (سه گویه)، ثبات سیاسی (سه گویه) و دلایل عاطفی-هویتی (سه گویه) عوامل زیرساختی (سه گویه) به شرح زیر طراحی شد:

۱. بهبود شرایط اقتصادی

تعریف مفهومی: ارزیابی پاسخگو از وضعیت معیشتی خود که بیشتر از طریق شاخص‌های درآمد واقعی، کنترل تورم و قدرت خرید سنجیده می‌شود.

تعریف عملیاتی: نمره‌ای که پاسخگو از مجموع سه گویه مربوط به ارزیابی خود از وضعیت درآمد، تورم و قدرت خریدش در قالب مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای کسب می‌کند.

گویه‌های مورد استفاده در پژوهش (سه گویه): درآمد واقعی، کنترل تورم و قدرت خرید.

۲. حمایت خانوادگی

تعریف مفهومی: وجود شبکه حمایتی قوی متشکل از پیوندهای عاطفی، پشتیبانی مالی و احساس مسئولیت متقابل درون خانواده.

تعریف عملیاتی: نمره‌ای که پاسخگو از مجموع سه گویه مربوط به شدت پیوندهای عاطفی، میزان حمایت مالی و احساس مسئولیت در قبال خانواده در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای کسب می‌کند.

گویه‌های مورد استفاده در پژوهش (سه گویه): پیوندهای عاطفی، حمایت مالی و مسئولیت خانوادگی

۳. بهبود فرصت‌های شغلی

تعریف مفهومی: درک فرد از وجود و دردسترس بودن مشاغل پایدار، امکان پیشرفت شغلی و برخورداری از امنیت شغلی در کشور.

تعریف عملیاتی: نمره‌ای که پاسخگو از مجموع سه گویه مربوط به ارزیابی خود از وضعیت اشتغال، امکان پیشرفت و امنیت شغلی در ایران در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای کسب می‌کند.

گویه‌های مورد استفاده در پژوهش (سه گویه): اشتغال پایدار، پیشرفت شغلی و امنیت شغلی

۴. عوامل اجتماعی-فرهنگی

تعریف مفهومی: میزان تعلق و ادغام فرد در شبکه‌های اجتماعی و احساس هویت و تعلق فرهنگی در جامعه.

تعریف عملیاتی: نمره‌ای که پاسخگو از مجموع سه گویه مربوط به احساس تعلق اجتماعی، هویت فرهنگی و روابط اجتماعی خود در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای کسب می‌کند.

گویه‌های مورد استفاده در پژوهش (سه گویه): تعلق اجتماعی، هویت فرهنگی و شبکه‌های اجتماعی.

۵. ثبات سیاسی

تعریف مفهومی: درک فرد از امنیت، آرامش و قابلیت پیش‌بینی محیط کلان سیاسی کشور و کیفیت حکمرانی.

تعریف عملیاتی: نمره‌ای که پاسخگو از مجموع سه گویه مربوط به ارزیابی خود از امنیت سیاسی، کیفیت حکمرانی و شفافیت در ایران در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای کسب می‌کند.

گویه‌های مورد استفاده در پژوهش (سه گویه): امنیت سیاسی، کیفیت حکمرانی و شفافیت.

۶. دلایل عاطفی-هویتی

تعریف مفهومی: دلبستگی‌های عمیق غیرمادی فرد به وطن، حس تعلق ملی، هویت فرهنگی و ارزش‌های معنوی.

تعریف عملیاتی: نمره‌ای که پاسخگو از مجموع سه گویه مربوط به احساس تعلق ملی، هویت فرهنگی و وابستگی عاطفی به ایران در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای کسب می‌کند.

گویه‌های مورد استفاده در پژوهش (سه گویه): تعلق ملی، هویت فرهنگی و ارزش‌های معنوی.

۷. عوامل زیرساختی

تعریف مفهومی: ارزیابی فرد از کیفیت و دردسترس بودن خدمات اساسی و زیربنایی از قبیل خدمات بهداشتی، آموزشی و حمل‌ونقل.

تعریف عملیاتی: نمره‌ای که پاسخگو از مجموع سه گویه مربوط به ارزیابی خود از کیفیت خدمات بهداشتی، آموزشی و حمل‌ونقل در ایران در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای کسب می‌کند. گویه‌های مورد استفاده در پژوهش (سه گویه): خدمات بهداشتی، نظام آموزشی و حمل‌ونقل. متغیر وابسته: انصراف از مهاجرت

تعریف مفهومی: تمایل و قصد فعال فرد برای باقی‌ماندن در کشور و کنار گذاشتن برنامه‌های مهاجرت، که ناشی از رضایت از زندگی و اعتماد به آینده در وطن است.

تعریف عملیاتی: نمره‌ای که پاسخگو از مجموع ۴ گویه مربوط به تمایل به ماندن، لغو برنامه مهاجرت، رضایت از زندگی و اعتماد به آینده در ایران در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای کسب می‌کند.

گویه‌های مورد استفاده در پژوهش (۴ گویه): تمایل به ماندن، لغو برنامه مهاجرت، رضایت از زندگی و اعتماد به آینده.

برای تعیین روایی محتوایی، پرسشنامه در اختیار دوازده نفر از اساتید و متخصصان حوزه جامعه‌شناسی و اقتصاد قرار گرفت. برای سنجش پایایی، از ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR) استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۹۴ و برای هر یک از متغیرها بالاتر از ۰/۷ به دست آمد.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. آماره‌های توصیفی و ارزیابی مدل اندازه‌گیری

از بین ۲۸۰ پاسخ‌دهنده، ۵۵ درصد مرد و ۴۵ درصد زن با میانگین سنی ۳۱/۵ سال بودند. ۶۲ درصد مدرک کارشناسی ارشد و ۳۸ درصد مدرک دکتری داشتند. ارزیابی مدل اندازه‌گیری نشان داد تمام شاخص‌ها از پایایی و روایی مطلوبی برخوردارند. مقادیر بارهای عاملی تمامی گویه‌ها بالاتر از ۰/۷، پایایی ترکیبی (CR) بالاتر از ۰/۷ و میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) برای همه سازه‌ها بالاتر از ۰/۵ بود که نشان‌دهنده روایی همگرایی قابل قبول است.

۴-۲. ارزیابی مدل ساختاری و آزمون فرضیه‌ها

پس از اطمینان از کفایت مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری با روش بوت‌استرپ (۵۰۰ نمونه) ارزیابی شد. همه ضرایب مسیر از لحاظ آماری معنادار بودند ($p < ۰/۰۵$) و تمام فرضیه‌های پژوهش تأیید شدند. براین اساس، بهبود شرایط اقتصادی با ضریب مسیر ۰/۴۲۸ قوی‌ترین تأثیر و عوامل زیرساختی با ضریب ۰/۱۶۵ ضعیف‌ترین تأثیر را بر انصراف از مهاجرت داشتند. حمایت

خانوادگی (۰/۳۸۵)، بهبود فرصت‌های شغلی (۰/۳۴۲)، عوامل اجتماعی-فرهنگی (۰/۲۷۶)، ثبات سیاسی (۰/۲۳۴) و دلایل عاطفی-هویتی (۰/۱۹۸) به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. مدل نهایی توانست ۶۸ درصد از واریانس متغیر انصراف از مهاجرت را تبیین کند ($R^2=0.68$). شاخص‌های برازش مدل نیز مطلوب بودند ($NFI=0.923$, $SRMR=0.045$).

جدول ۲. نتایج تحلیل مدل اندازه‌گیری (بارهای عاملی و پایایی)

متغیر پنهان	شاخص	بار عاملی	آلفای کرونباخ	CR	AVE
بهبود شرایط اقتصادی	درآمد واقعی	0.845	0.891	0.921	0.701
	کنترل تورم	0.832			
	قدرت خرید	0.819			
حمایت خانوادگی	پیوندهای عاطفی	0.811	0.876	0.908	0.665
	حمایت مالی	0.798			
	مسئولیت خانوادگی	0.823			
بهبود فرصت‌های شغلی	اشتغال پایدار	0.829	0.862	0.901	0.648
	پیشرفت شغلی	0.815			
	امنیت شغلی	0.784			
عوامل اجتماعی-فرهنگی	تعلق اجتماعی	0.802	0.841	0.887	0.612
	هویت فرهنگی	0.791			
	شبکه‌های اجتماعی	0.756			
ثبات سیاسی	امنیت سیاسی	0.788	0.823	0.875	0.589
	کیفیت حکمرانی	0.769			
	شفافیت	0.743			
دلایل عاطفی-هویتی	تعلق ملی	0.812	0.798	0.861	0.556
	هویت فرهنگی	0.785			
	ارزش‌های معنوی	0.694			
عوامل زیرساختی	خدمات بهداشتی	0.779	0.812	0.872	0.578
	نظام آموزشی	0.761			
	حمل و نقل	0.734			
انصراف از مهاجرت	تمایل به ماندن	0.831	0.885	0.915	0.632
	لغو برنامه مهاجرت	0.819			
	رضایت از زندگی	0.802			
	اعتماد به آینده	0.765			

جدول ۳. نتایج تحلیل مدل ساختاری (ضرایب مسیر و معناداری)

نتیجه	p-value	مقدار t	انحراف معیار	ضریب مسیر (β)	رابطه
تأیید	0.000	7.125	0.060	0.428	انصراف از مهاجرت → بهبود شرایط اقتصادی
تأیید	0.000	6.841	0.056	0.385	انصراف از مهاجرت → حمایت خانوادگی
تأیید	0.000	5.772	0.059	0.342	انصراف از مهاجرت → بهبود فرصت‌های شغلی
تأیید	0.000	4.986	0.055	0.276	انصراف از مهاجرت → عوامل اجتماعی- فرهنگی
تأیید	0.000	4.112	0.057	0.234	انصراف از مهاجرت → ثبات سیاسی
تأیید	0.000	3.803	0.052	0.198	انصراف از مهاجرت → دلایل عاطفی- هویتی
تأیید	0.003	2.954	0.056	0.165	انصراف از مهاجرت → عوامل زیرساختی

جدول ۴: شاخص‌های برازش مدل

مقدار	مقدار	شاخص برازش
< 0.08	0.045	SRMR
> 0.90	0.923	NFI
-	654.32	Chi-Square
-	0.680	R ²
-	0.672	Adjusted R ²
> 0.35	0.432	Q ²

جدول ۵. روایی تشخیصی

متغیر	1	2	3	4	5	6	7	8
۱. بهبود شرایط اقتصادی	0.837							
۲. حمایت خانوادگی	0.423	0.815						
۳. بهبود فرصت‌های شغلی	0.512	0.387	0.805					
۴. عوامل اجتماعی-	0.345	0.456	0.298	0.782				

متغیر	1	2	3	4	5	6	7	8
فرهنگی								
۵. ثبات سیاسی	0.389	0.267	0.423	0.334	0.767			
۶. دلایل عاطفی- هویتی	0.278	0.512	0.245	0.467	0.189	0.746		
۷. عوامل زیرساختی	0.456	0.334	0.389	0.278	0.412	0.223	0.760	
۸. انصراف از مهاجرت	0.521	0.478	0.445	0.389	0.367	0.412	0.334	0.795

مدل پژوهش حاضر با تبیین ۶۸ درصدی واریانس انصراف از مهاجرت، یک چارچوب جامع و کمی ارائه می‌دهد که شکاف روش‌شناختی اشاره‌شده در پیشینه را پر می‌کند. یافته‌ها ضمن تأیید نقش کلیدی عوامل اقتصادی (که در بیشتر مطالعات برجسته است)، سهم قوی و مستقل عوامل غیراقتصادی به‌ویژه حمایت خانوادگی و عوامل اجتماعی-هویتی را آشکار می‌سازد. این امر نشان می‌دهد سیاست‌های نگهداشت نیروی انسانی نخبه نمی‌تواند فقط بر بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی متمرکز باشد، بلکه باید بسته سیاستی یکپارچه‌ای مشتمل بر تقویت بنیان خانواده، ایجاد فرصت‌های شغلی باکیفیت، ارتقای سرمایه اجتماعی و ثبات‌بخشی به محیط کلان را در دستور کار قرار دهد. استفاده از روش PLS-SEM نیز امکان سنجش قدرت تأثیر نسبی هر عامل را فراهم آورده و اولویت‌بندی مداخلات سیاستی را ممکن ساخته است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

طبق یافته‌های این پژوهش، پدیده انصراف از مهاجرت، تصمیمی پیچیده و چندبعدی است که در شبکه‌ای درهم‌تنیده از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و روان‌شناختی ریشه دارد. قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده این تصمیم، بهبود شرایط اقتصادی (با ضریب مسیر ۰/۴۲۸) بود. این نتیجه به‌خوبی با نظریه سرمایه انسانی (شولتز، ۱۹۶۱) همسویی دارد که مهاجرت را نوعی سرمایه‌گذاری می‌داند و تأکید می‌کند زمانی که بازده مورد انتظار از ماندن در وطن (ناشی از بهبود درآمد و قدرت خرید) از منافع مهاجرت پیشی گیرد، تمایل به ماندگاری افزایش می‌یابد. این یافته، همچنین از مطالعات پیشین داخلی مانند محمدی و همکاران (۱۴۰۰) که بر نقش

کاهندهٔ بهبود اقتصادی بر تمایل به مهاجرت تأکید داشتند، پشتیبانی می‌کند. در رتبه‌های بعدی، حمایت خانوادگی (۰/۳۸۵) و بهبود فرصت‌های شغلی (۰/۳۴۲) قرار گرفتند. نقش پررنگ حمایت خانوادگی، اهمیت سرمایهٔ اجتماعی و شبکه‌های روابط (پاتنام، ۲۰۰۰) را در فرهنگ ایرانی آشکار می‌سازد و یافته‌های تحقیقات کیفی مانند رضایی و کریمی (۱۴۰۱) را که بر نقش تعیین‌کنندهٔ خانواده در انصراف از مهاجرت اشاره داشتند، تأیید می‌کند. همچنین، تأثیر بهبود فرصت‌های شغلی، یافتهٔ مطالعاتی مانند روزبهانی و همکاران (۱۴۰۱) را ردگیری می‌کند و نشان می‌دهد نبود چشم‌انداز شغلی و امنیت شغلی از جمله عوامل ریشه‌ای «دافعه» در نظریهٔ مهاجرت هستند.

علاوه بر عوامل یادشده، عوامل اجتماعی-فرهنگی (۰/۲۷۶)، ثبات سیاسی (۰/۲۳۴)، دلایل عاطفی-هویتی (۰/۱۹۸) و عوامل زیرساختی (۰/۱۶۵) نیز سهم معناداری در تبیین واریانس مدل داشتند. این یافته‌ها به‌ترتیب، با چارچوب‌های نظری تعلق مکانی، نظریهٔ امنیت وجودی، دلبستگی عاطفی و نظریهٔ توسعهٔ زیرساختی همخوانی دارند و نشان می‌دهند انصراف از مهاجرت تنها یک انتخاب اقتصادی نیست، بلکه انتخابی هویتی، عاطفی و مبتنی بر ارزیابی از کیفیت زندگی در ابعاد مختلف است. قدرت تبیین ۶۸ درصدی مدل ($R^2=0.680$) بیان می‌کند برای درک و مدیریت پدیدهٔ مهاجرت، باید به همهٔ این ابعاد به‌صورت یکپارچه نگریست. بر مبنای این یافته‌ها، پیشنهادها کاربردی زیر در سه سطح کلان، میانی و خرد ارائه می‌شود:

در سطح کلان، طراحی و اجرای سیاست‌های جامع اقتصادی با اولویت کنترل تورم، ایجاد ثبات در بازارها و افزایش قدرت خرید، اساسی‌ترین اقدام برای کاهش انگیزهٔ مهاجرت است. همزمان، تقویت نهادهای سیاسی، شفافیت در حکمرانی و ارتقای ثبات و امنیت ملی به‌عنوان بستری ضروری برای حفظ سرمایهٔ انسانی عمل می‌کند.

در سطح میانی، تمرکز بر توسعهٔ کیفی بازار کار از طریق ایجاد «برنامهٔ ملی اشتغال نخبگان»، توسعهٔ مراکز رشد و پارک‌های فناوری و استقرار نظام پرداخت مبتنی بر شایستگی ضروری است. همچنین، تقویت شبکه‌های حمایت اجتماعی-خانوادگی با اجرای بسته‌های حمایتی هدفمند، توسعهٔ خدمات مشاوره‌ای و تقویت انجمن‌های تخصصی می‌تواند پیوندهای اجتماعی افراد با جامعه را مستحکم‌تر کند.

در سطح خرد و فرهنگی، طراحی کارزارهای رسانه‌ای برای تقویت غرور ملی و هویت فرهنگی، معرفی دستاوردهای کشور و ایجاد «نظام ملی تقدیر از استعدادها» بر دلبستگی‌های عاطفی-هویتی افراد اثر می‌گذارد و تمایل درونی آنان را برای ماندن و مشارکت در توسعهٔ میهن

افزایش می‌دهد. برای پژوهش‌های آتی، انجام مطالعات طولی برای رصد تغییرات قصد مهاجرت در گذر زمان، بررسی نقش میانجی‌گر متغیرهایی مانند «رضایت از زندگی» و «امید به آینده» در مدل حاضر و نیز اجرای پژوهش‌های تطبیقی بین استان‌های مختلف برای شناسایی تفاوت‌های منطقه‌ای پیشنهاد می‌شود.

منابع

- آذربایجانی، ک.، طیبی، س.، و هنری، ن. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر مهاجرت نیروی کار در ایران. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳(۴۰)، ۵۹-۷۵.
- پروائی، ش.، و شریفی ساعی، م. (۱۴۰۱). جامعه‌شناسی مهاجرت نخبگان: دلایل ماندگاری نخبگان دانشگاهی در ایران. فصلنامه جمعیت، ۲۱(۱۲۱)، ۱۸۱-۲۱۰.
- حسینی، س.، صوری، خ.، و مدنی، س. (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت به کشورهای توسعه‌یافته. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۲(۳)، ۵۱-۶۲.
- راغب، ع.، و کرمی، م. (۱۴۰۳). فراترکیب علل مهاجرت نخبگان ایرانی و راهکارهای ممانعت از آن. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۹(۳۸)، ۳۳۳-۳۶۶.
- رجائی، س.، و صحنه، ب. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شبکه‌های مهاجرت در تهران؛ مطالعه موردی: ساکنین رامشی مقیم تهران. فضای جغرافیایی، ۵(۱۸).
- زنجانی، ح. (۱۳۷۱). جمعیت و شهرنشینی در ایران (جلد ۱). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- شهبازی، س. (۱۴۰۰). بررسی سهم مهاجرت در تغییر نرخ رشد جمعیت استان‌های کشور در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۵. فصلنامه جمعیت، ۱۱۵(۱۱۶)، ۱۳۳-۱۶۷.
- صادقی، ح. (۱۳۹۸). مطالعه عوامل اقتصادی و جمعیتی مؤثر بر نرخ خالص مهاجرت (مطالعه موردی ۲۱۰ کشور جهان در سال ۲۰۱۶). فصلنامه اقتصاد، ۱(۲)، ۴۳-۵۶.
- عرب مزار، ا.، مشرفی، ر.، و مصطفازاده، م. (۱۳۹۶). مهاجرت نیروی کار از ایران به کشورهای OECD و عوامل اقتصادی مؤثر. اقتصاد و مدل‌سازی، ۸(۳۰)، ۶۳-۹۴.
- عزیزیان، ا.، قلاوند، ح. م.، و جوادپور، م. (۱۴۰۲). رابطه فعالیت‌های عمرانی و

مهاجرت‌های داخلی در ایران معاصر (مطالعه موردی استان سمنان). مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۲۴(۲)، ۱۴۷-۱۸۰.

- قاسمی اردهائی، ا.، رستمی، ن.، و شیرازی، م. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر تمایل جوانان روستایی به مهاجرت به شهر در شهرستان اهر. فضای جغرافیایی، ۱۶(۵۳)، ۱۷۳-۱۹۲.
- متقی، س. (۱۳۹۴). تأثیر عوامل اقتصادی بر مهاجرت در ایران با تأکید بر شاخص‌های درآمد و بیکاری. دوفصلنامه راهبرد و سیاست کلان، ۳(۱۱)، ۶۳-۷۴.
- محمودیان، ح.، و شاهپری ثانی، د. (۱۳۹۷). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تمایل شهروندان به مهاجرت از شهر آبادان با استفاده از تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۳(۲۶)، ۸۹-۱۱۸.
- موسوی، ر.، و سمیعین، م. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت روستاییان شهرستان سردشت. مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۳(۱)، ۱۰۱-۱۲۴.
- وکیلی، س.، و مبینی، م. (۱۴۰۲). مروری بر فرار مغزها، علل و مسائل سیاستی در ایران. نشریه آموزش پزشکی، ۴(۲)، ۷۱۵-۷۲۶.

References

- Adewale, J. (2005). Socio-Economic Factors Associated With Urban-Rural Migration In Nigeria: A Case Study of Oyo State. Nigeria. Journal of Human Ecology, 17(1), 13-16.
- Arab Mazār, A., Mosharraf, R., & Mostafazadeh, M. (2017). Labor migration from Iran to OECD countries and effective economic factors. Economics and Modeling, 8(30), 63-94. (In Persian)
- Asfaw, W., Tolossa, D., & Zeleke, G. (2010). Causes and Impacts of Seasonal Migration on Rural Livelihoods: Case Studies from Amhara Region in Ethiopia. Norwegian Journal of Geography, 64(1), 58-70.
- Azarbaijani, K., Tayyebi, S., & Henry, N. (2009). Factors affecting labor migration in Iran. Iranian Economic Research, 13(40), 59-75. (In Persian)

- Azizian, A., Ghalavand, H. M., & Javaheripour, M. (2023). The relationship between developmental activities and internal migrations in contemporary Iran: (Case study of Semnan province). *Iranian Journal of Sociology*, 24(2), 147-180. (In Persian)
- Brown, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Carling, J., & Schewel, K. (2018). Revisiting aspiration and ability in migration. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 44(6), 945–963. <https://doi.org/10.1080/1369183X.2017.1384146>
- Cassarino, J.-P. (2004). Theorising return migration: The conceptual approach to return migrants revisited. *International Journal on Multicultural Societies*, 6(2), 253–279.
- Clemens, M. A. (2020). The emigration life cycle: How development shapes emigration from poor countries. Center for Global Development. <https://www.cgdev.org/publication/emigration-life-cycle-how-development-shapes-emigration-poor-countries>
- Daniela, B. (2012). Modern Gravity Models of Internal Migration, the Case of Romania. *Theoretical and Applied Economics*, 4(569), 127-144.
- de Haas, H. (2021). A theory of migration: The aspirations-capabilities framework. *Comparative Migration Studies*, 9(1), 1–35. <https://doi.org/10.1186/s40878-020-00210-4>
- Docquier, F., & Rapoport, H. (2012). Globalization, brain drain, and development. *Journal of Economic Literature*, 50(3), 681–730. <https://doi.org/10.1257/jel.50.3.681>
- Enigbokan, O., Edkins, B., & Ogundele, O. (2015). Relevance Of Migration Theories In The Identification Of Influencing Factors For Nigerian And Zimbabwean Migrants In South Africa. Paper presented at the Economic Society of South Africa (ESSA) Conference, Cape Town.
- Falco, C., Galeotti, M., & Olper, A. (2019). Climate change and migration: Is agriculture the main channel?. *Global Environmental Change*, 59, 1-10.

- Ghasemi Ardahaei, A., Rostami, N., & Shirazi, M. (2016). Factors affecting rural youth's tendency to migrate to cities in Ahar county. *Geographical Space Scientific-Research Quarterly*, 16(53), 173-192. (In Persian)
- Hair, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2017). *A primer on partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM)* (2nd ed.). Sage publications.
- Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. R. (2009). The use of partial least squares path modeling in international marketing. *Advances in International Marketing*, 20, 277-319.
- Hosseini, S., Sabouri, Kh., & Madani, S. (2020). Factors affecting cultural elites' tendency to migrate to developed countries. *Iranian Social Development Studies*, 12(3), 51-62. (In Persian)
- International Organization for Migration. (2023). *World Migration Report 2024*. IOM. <https://worldmigrationreport.iom.int/wmr-2024-interactive/>
- Lee, E. S. (1966). A theory of migration. *Demography*, 3(1), 47-57.
- Liu, Y., Deng, W., & Song, X. (2018). Influence factor analysis of migrants' settlement intention: Considering the characteristic of city. *Applied Geography*, 96, 130-140.
- Mahmoudian, H., & Shahparri Sani, D. (2018). Identifying and prioritizing factors affecting people's tendency to migrate from Abadan city using multi-criteria decision-making techniques. *Journal of the Iranian Population Association*, 13(26), 89-118. (In Persian)
- Massey, D. S., Arango, J., Hugo, G., Kouaouci, A., Pellegrino, A., & Taylor, J. E. (1993). Theories of international migration: A review and appraisal. *Population and Development Review*, 19(3), 431-466. <https://doi.org/10.2307/2938462>
- Motaqi, S. (2015). The impact of economic factors on migration in Iran; Emphasizing income and unemployment indicators. *Strategic and Macro Policies Quarterly*, 3(11), 63-74. (In Persian)
- Movahedi, R., & Samian, M. (2018). Study of factors affecting rural migration in Sardasht county. *Human Settlement Planning*

Studies, 13(1), 101-124. (In Persian)

- Parvaei, Sh., & Sharifi Saei, M. (2022). Sociology of elite migration: Reasons for the retention of academic elites in Iran. *Population Quarterly*, 121(121), 181-210. (In Persian)
- Piras, R. (2017). A long-run analysis of push and pull factors of internal migration in Italy. Estimation of a gravity model with human capital using homogeneous and heterogeneous approaches. *Papers in Regional Science*, 96(3), 571-602.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. Simon & Schuster.
- Ragheb, A., & Karami, M. (2024). A meta-synthesis of the causes of Iranian elite migration and prevention strategies. *Journal of the Iranian Population Association*, 19(38), 333-366. (In Persian)
- Rajaei, S., & Sahneh, B. (2015). Factors affecting the formation of migration networks in Tehran. Case study: Rameshe residents in Tehran. *Geographical Spatial Arrangement Journal*, 5(18). (In Persian)
- Sadeghi, H. (2019). Study of economic and demographic factors affecting net migration rate (Among 210 UN member countries in 2016). *Economic Journal*, 1(2), 43-56. (In Persian)
- Schultz, T. W. (1961). Investment in Human Capital. *The American Economic Review*, 51(1), 1-17.
- Shahbazi, S. (2021). Investigating the share of migration in changing population growth rates of the country's provinces during 2006-2016. *Population Quarterly*, 115(116), 133-167. (In Persian)
- Sjaastad, L. A. (1962). The costs and returns of human migration. *Journal of Political Economy*, 70(5, Part 2), 80-93. <https://doi.org/10.1086/258726>
- Stark, O. (1991). *The Migration of Labor*. Blackwell.
- Stark, O., & Bloom, D. E. (1985). The new economics of labor migration. *The American Economic Review*, 75(2), 173-178.
- UNDP. (2022). *Human Development Report 2021-22: Uncertain times, unsettled lives: Shaping our future in a transforming world*.

United Nations Development Programme.
<http://report.hdr.undp.org>

- UNESCO. (2023). The Global Education Monitoring Report 2023: Migration, displacement and education. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000383611>
- Vakili, S., & Mobini, M. (2023). An overview of brain drain, causes, and policy issues in Iran. Medical Education Bulletin, 4(2), 715-726. <https://doi.org/10.22034/meb.2023.404566.1078> (In Persian)
- Zanjani, H. (1992). Population and urbanization in Iran (Vol. 1). Tehran: Center for Urban Planning and Architectural Studies and Research of Iran. (In Persian)